



اشاره

به طرفداری از اسلام و نیز به پیروی از بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلام (ره)، سخنان و مقالات زیادی درباره فرهنگ و جایگاه آن در مکتب اسلام، فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران و سیر تحول آن به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شده است.

عده‌ای معتقدند انقلاب اسلامی یک جریان مردمی و سیاسی متأثر از شرایط اقتصادی دهه ۱۳۵۰ شمسی بوده و برخی نیز بر این باورند که منشأ انقلاب، فرهنگی و متأثر از آرمان‌های اسلامی است.

عده‌ای بر این عقیده‌اند که سخت‌گیری‌های فرهنگی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رکود فرهنگ و هنر در کشور انجامید و تحقیق و نگارش و تألیف و ترجمه و نیز طراحی و نقش‌آفرینی و نگارگری و هنرهای نمایشی و موسیقی پژمرده شد و دیگران بر این باورند که نویسنده‌ای از ابتذال و ضلالت نجات یافت و هنر و سرود از پوچی و بی‌دردی و نفسانیات رهایی یافتند و به خدمت مردم آزاد شده از بندهای طاغوت درآمدند.

طبیعی است که میان نظریات و اقدامات دسته اول و آثار و فعالیت‌های دیگران مدام تعارض وجود داشته و دارد و این مواجهه چه در میان اهل قلم و چه در صحنه جامعه، گاه شکل حاد و نمودهای تند و زنده‌ای یافته است؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان آن را فقط ناشی از مناظره فرهنگی دانست و به یقین چنان برخوردهایی حکایت از تضادهای بینشی و سیاسی می‌کند. برای روشن‌شدن موضوع ابتدا به بررسی آرا و نظریات امام راحل درباره فرهنگ پرداخته‌ایم و سپس نگاهی به وضع فرهنگ جامعه خود و دگرگونی‌هایی که پیدا کرده است، انداخته‌ایم و آنگاه به اجمال نتیجه‌گیری کرده‌ایم.

شاخص ولایت

فرهنگ رهایی‌بخش در کلام بنیانگذار فقید انقلاب و

نظام جمهوری اسلامی ایران

❖ مهندس سیدمصطفی میرسلیم
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

فرهنگ در کلام امام

در کلام امام نکات آموزنده بسیار نهفته است. کلام او به‌تمامی از اسلام الهام گرفته و او خود کاملاً به مسائل اساسی زمانه واقف بود؛ از این رو آن کلام امروز برای ما، به‌طور حتم حکم درس کاربردی است. یکی از فضیلت‌هایی که امام با تأکید ویژه به آن پرداخته، فرهنگ است.

ابعاد فرهنگ از دیدگاه امام

با اینکه امام هیچ‌گاه درصدد ارائه تعریفی جامع و مانع از فرهنگ نبوده، از مجموعه نظریات او به تعریفی از فرهنگ می‌رسیم که یکی از رساترین تعاریف است. با بررسی آن نظریات پنج دسته مطلب در مقوله فرهنگ قرار می‌گیرد:

۱. اعتقادات، ارزش‌ها، باورها و گرایش‌های فکری؛

۲. اخلاق، رفتار اجتماعی و هنجارها؛

۳. آداب و رسوم و سنت‌ها؛

۴. هنر و ادب؛

۵. علم، تعلیم و تربیت؛

نسبت جامعه و فرهنگ

میان هویت هر جامعه و فرهنگ آن نسبتی تنگاتنگ وجود دارد؛ به‌طوری که با شناخت فرهنگ هر جامعه، آن جامعه را می‌توان معرفی کرد. فرهنگ‌ها وجه تمایز جوامع مختلف از یکدیگرند. حتی فرهنگ آن قدر در زندگی اجتماعی اهمیت دارد که می‌توان گفت موجودیت هر جامعه با فرهنگ آن مشخص می‌شود.

در جلد ۱۵ **صحیفه نور**، صفحه ۱۶۰ آمده است: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد.

سعادت و تیره‌ورزی جوامع وابسته به فرهنگ آنهاست. ترقی و سقوط نیز که حرکت جامعه به سمت سعادت یا سیر نزولی و قهقرایی به طرف بیچارگی است، سرچشمه در فرهنگ دارد.»

در جلد ۶ **صحیفه نور**، صفحه ۲۵۲ آمده

است: «فرهنگ... بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد.»

در جلد اول **صحیفه نور**، صفحه ۲۷۲ آمده است: «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است.»

ویژگی‌های فرهنگی

به لحاظ تأثیرگذاری بر دیگران و تأثیرپذیری از بیگانگان، فرهنگ دارای ویژگی‌هایی است که به دسته‌بندی آنها به استناد نظریات امام می‌پردازیم:

۱. وضع فرهنگی یک ملت را

می‌توان تقویت یا تضعیف کرد: اگر

فرهنگ جامعه‌ای تضعیف شود، آن جامعه در تمام شئون، هرچند صاحب قدرت باشد، به فترت و سستی و هلاکت نزدیک می‌شود.

در جلد ۱۵ **صحیفه نور**، صفحه ۱۶۰ آمده است: «با انحراف فرهنگی، هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی، قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مُرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمامی ابعاد از دست می‌دهد.»

۲. فرهنگ قابلیت نفوذ دارد: از همین

قابلیت نفوذ است که بیگانگان استفاده کرده‌اند و می‌کنند تا با واردکردن تدریجی آثار و تولیدات و برنامه‌های فرهنگی خود، جامعه ما را از محتوای اسلام آن تهی سازند.

در جلد ۹ **صحیفه نور**، صفحه ۱۸۷ آمده است: «اجانب، خصوصاً آمریکا، در نیم‌قرن اخیر کوشش داشتند و دارند که فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی و علمی و ادبی ما را از محتوای اسلامی، انسانی و ملی خود خالی کنند و به جای آن فرهنگ استعماری و استبدادی بنشانند.»

۳. فرهنگ تقلیدپذیر است: با

شگردهای مفتون‌سازی و ایجاد جاذبه مادی و رواج‌دادن کالاهای و شیوه‌های فریبنده، بیگانگان به‌زودی جوانان را مشتاق و وادار

به تقلید می‌کنند. به‌ویژه به اختلاط و مراودات بین زن و مرد و الگوگرفتن از لباس و زینت و رفتار ساخته و پرداخته بیگانگان و راه‌انداختن مؤسسات فرهنگی به سبک غربی دامن می‌زنند.

در جلد ۱۷ **صحیفه نور**، صفحه ۱۱۲ آمده است: «خیابانش را وقتی می‌گشتم همه فساد، این فرهنگ اجنبی است. در خیابان‌ها کسی وارد می‌شد می‌دید سر تا ته خیابان‌ها یا مشروب‌فروشی است یا بساط زدن و چه کردن است. یا زن‌های لخت در بین مردم راه افتادن است. بازارش را می‌دیدم همین بود. توی مدارسش می‌رفتی و توی دانشگاهش همین مسائل بود.»

میان هویت هر جامعه و

فرهنگ آن جامعه نسبتی

تنگاتنگ وجود دارد؛ به‌طوری

که با شناخت فرهنگ هر

جامعه، آن جامعه را می‌توان

معرفی کرد. فرهنگ‌ها وجه

تمایز جوامع مختلف از

یکدیگرند. حتی فرهنگ

آن قدر در زندگی اجتماعی

اهمیت دارد که می‌توان گفت

موجودیت هر جامعه با

فرهنگ آن مشخص می‌شود.

۴. فرهنگ گرفتار فساد می‌شود:

شایع‌ترین راه‌های افساد فرهنگی، با به‌کارگیری ابزار هنر است؛ هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و موسیقی. نزد بیگانگان همه آنها جلوه‌های حساس و ظریف فرهنگ محسوب می‌شوند که عرضه آنها هیچ مانعی و رادعی نباید داشته باشد.

در جلد ۳ **صحیفه نور**، صفحه ۲۱۴ آمده است: «جزء فرهنگ ما که الان خیلی رواج دارد، این فسادهایی است که در ایران هست، اینها را جزء فرهنگ حساب می‌کنند،

سینماها جزء فرهنگ است.»

چاره جویی فرهنگی: مشخص شد که از دیدگاه امام بسیاری از دردهای اجتماعی جنبه فرهنگی دارند و علاج آن دردها نیز به کمک راه‌حل‌های فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی میسر است.

۱. اصلاح فرهنگی و اولویت آن: فرهنگی را که گرفتار فساد شده می‌توان اصلاح کرد و در جامعه اسلامی ابتدای بنای اصلاح را باید بر فرهنگ نهاد. اصلاح‌نکردن بجا و بموقع فرهنگی باعث ضایع شدن نسل جوان و استعدادهای آن و تسری و تعمیق نفوذ فساد در جامعه می‌شود؛ فساد که منشأ آن رواج فراینده مظاهر فرهنگ بیگانگان به‌ویژه به کمک رسانه‌های جمعی است.

در جلد ۱۰ **صحیفه نور**، صفحه ۵۵ آمده است: «رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است.» و در جلد اول **صحیفه نور**، صفحه ۲۷۳ آمده است: «اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند ... وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند، از دست می‌روند و انگل بار می‌آیند.»

در جلد اول **صحیفه نور**، صفحه ۱۶۱ نیز آمده است: «آنچه می‌توان گفت ام‌الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است.»

۲. فرهنگ وابستگی: مبنای استقلال یک ملت را در فرهنگ آن باید جست‌وجو کرد. نجات‌یافتن از وابستگی به بیگانگان و عواقب سوء آن در همه زمینه‌ها، با نیل به استقلال فرهنگی تحقق می‌یابد. چنین «استقلالی» را هیچگاه نباید به مخاطره انداخت.

در جلد ۶ **صحیفه نور**، صفحه ۴۰ آمده است: «فرهنگ اساس ملت است و اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است.»

۳. فرهنگ اسلامی: شناخت ارزش‌های

فرهنگ اسلامی و راه‌هایی که آن فرهنگ بر ما می‌گشاید، راه‌های بخش ما و جامعه ماست. به اتکای فرهنگ اسلامی است که هدایت اعتقادی، اخلاقی و علمی، و نیز مصونیت از گمراهی میسر می‌شود.

در جلد ۱۹ **صحیفه نور**، صفحه ۲۰۴ آمده است: «اسلام دارای فرهنگ غنی انسان‌ساز است که ملت‌ها را بی‌گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه به پیش می‌برد و انسان‌ها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و علمی هدایت می‌کند و از گهواره تا گور به تحصیل و جست‌وجوی دانش سوق می‌دهد.»

فرهنگ اسلامی و آرمان‌های الهی جزء لاینفک جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که نسبت به آن کوچک‌ترین مسامحه یا بی‌تفاوتی روا نیست. هر سهل‌انگاری در این باره به انحطاط رفتارهای اجتماعی و غلتیدن در سرآشینی سقوط و فاصله گرفتن از اهداف مقدس منجر می‌شود.

در جلد ۷ **صحیفه نور** آمده است: «جمهوری اسلامی نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان مقدس الهی خود دست بردارد.»

فرهنگ امروز ما

امروز در جامعه ما با شعارهای جدید و جمله‌بندی‌های نو مطالبی درباره آزادی فرهنگی، تمدن جامعه مدنی، مداخله یا مداخله‌نکردن دولت در امور فرهنگی پیش کشیده شده که در عمل آثار قابل انتقادی را به لحاظ رفتار اجتماعی پدید آورده است. به نظر می‌رسد آن آثار با آرای امام درباره چگونگی شکل گرفتن فرهنگ اسلامی در جامعه ما سازگار نباشند. از این رو، به بررسی موضوع در دو بند می‌پردازیم:

آزادی و فرهنگ

ارزش آزادی به‌طور کلی در نسبی بودن آن است. آیا در زمینه فرهنگ هم این نسبی بودن آزادی مفهوم و مصداق دارد و معتبر است؟ شایسته است بررسی کنیم که مطلق آزادی فرهنگی چه عواقبی دارد و

جامعه را به کجا می‌کشاند. البته از آزادی مطلق فرهنگی به یقین عده‌ای بهره می‌برند و آنها مبلغان و مدافعان اصلی آزادی فرهنگی هستند؛ آنها سوداگرانی هستند که یا چیزی را جز منافع اقتصادی نمی‌بینند و یا سیاسی‌کارانی‌اند که برای رسیدن به قدرت حکومت از هیچ تشبثی دست بر نمی‌دارند؛ و کسانی که گمان می‌برند در آزادی مطلق فرهنگی به‌سر می‌برند، در مثل همچون گویی در پیاله‌اند که وقتی آزاد به حال خود رها شود در پایین‌ترین رتبه و سطح می‌رسد و پست‌ترین منزلت انسانی نصیب او می‌شود. او مشتری کالایی می‌شود که آن سوداگران رذایل تولید و توزیع می‌کنند:

۱. ادبیات آزاد به سرعت به دام ابتذال می‌افتد و نشردهنده داستان‌ها و سرگذشت‌ها و خاطرات و مطالب منحرف و گمراه‌کننده می‌شود؛ حتی وقتی روایت تاریخ و تألیف لغت‌نامه و سرودن شعر به آزادی مطلق می‌گراید، سر از خیانت و انحراف و تحریک شهوات جنسی درمی‌آورد.

۲. هنر آزاد از پرده‌داری و بی‌حیایی آغاز می‌شود و به استهجان ختم می‌شود؛ نمایشنامه‌ها و اجرای نمایش‌ها به هتاکی نسبت به مقدسات و خمار کردن هر فکر بیدار پایان می‌پذیرد. سینمای آن الهام‌بخش بی‌عفتی و مروج تمایلات و عشق‌هایی است که بی‌رنگ بود. طبیعی است که چنین هنری کاملاً از تعهد به‌دور و به سرآشینی ننگ نزدیک است.

طراحی و نقش‌آفرینی به سمتی می‌رود که از لباس که پوشش انسان است و از بسته‌بندی که پوشش کالا است، برای تحریک غرایز و تهییج تصنعی‌اشتها یا به حسیض شهوت انداختن و تشدید مصرف تا نقطه اوج اسراف استفاده کند.

۳. مطبوعات بی‌قید با چند خطر مواجه می‌شوند؛ یکی خطر افراد در حادثه‌نگاری برای جلب خوانندگان کنج‌کاو و بدآموزی‌های متعاقب است؛ آن دیگری چاپ عکس صورت و اندام و داستان‌های تحریک‌کننده امیال جنسی؛ سوم تشریح

دردها و عقده‌های گردانندگان آن مطبوعات با فحاشی و بی‌ادبی به دیگران، به نام طنز و نقد؛ چهارم غوغاسالاری و جنجال‌پردازی برای جلب آرای سیاسی مردم و یا زمینه‌سازی سیاسی برای اقدامی اجتماعی با استفاده از عناوین اغراق‌آمیز و یا غلوکردن در ارائه مطالب، و پنجم نگارش مقاله و ستون آزاد با نیت بی‌حرمتی به مقدسات، اصالت‌دادن به بی‌قیدی و منکوب‌کردن اعتقادات و تضعیف تعلقات مذهبی و رواج‌دادن شیوه‌های غیردینی به پشتوانه به اصطلاح مدنیت، اکثریت و آزاداندیشی.

۴. سفر و سیاحت بی‌هدف که منجر به اصالت‌یافتن کام‌جویی یا تشدید ماجراجویی می‌شود و طبیعت و طینت را به فساد و آلودگی می‌کشانند و همزمان با آن میراث فرهنگی تخریب می‌شود و آداب و رسوم خرافی رونق می‌گیرد و بداخلاقی و بدبینی و خودپرستی گسترش می‌یابد، ولی بی‌بردن به ماجرای خلقت و مبدأ و معاد فراموش می‌شود. شناخت خوبی‌ها و زیبایی‌های دیگران و استفاده از تجربیات مثبت و ارزشمند آنها به کنار می‌رود و عبرت‌گرفتن از سرگذشت پیشینیان و تأمل کردن در آن

■ در هر زمان و هر دیار که اصولی حکمفرما باشد و یا آرمانی وجود داشته باشد، آزادی مطلق فرهنگی چه با گفتار و چه با رفتار مردود است و به سقوط فرهنگی منتهی می‌شود.

برای ترسیم آینده خود، ترک می‌شود. ملاحظه می‌شود که آزادی مطلق در رشته‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی هیچگاه به اعتلای انسان و مقام و شأن اجتماعی او نمی‌انجامد، و در این دوران نیز آنها که از آزادی در شعار و عمل سوءاستفاده کرده‌اند، هرآنچه تولید و عرضه نموده‌اند، به ازدست‌رفتن معنویت، رشد و ولنگاری و خودخواهی و حرص و تزویر و شهوت و پوچی و بداخلاقی کمک کرده است. بنابراین در هر زمان و هر دیار که اصولی حکمفرما باشد و یا آرمانی وجود داشته باشد، آزادی مطلق فرهنگی چه با گفتار و چه با رفتار مردود است و به سقوط فرهنگی منتهی می‌شود.

فرهنگ‌رهایی‌بخش

برای هر ملتی طی کردن راه رشد و برپاکردن تمدن و رسیدن به آرمان‌ها مستلزم دراختیارداشتن فرهنگی موافق و ظرفیتی متناسب با آن آرمان‌هاست. فرهنگ آنگاه می‌تواند جامعه را از اسارت و جهل و ابتدال و ظلم برهاند که خود از بی‌قیدی و بی‌هدفی رها شده باشد. آن فرهنگ انسان را از غل و زنجیرهایی که مانع اعتلا و ترقی او هستند،



آزاد می‌کند: فرهنگ رهایی‌بخش. آیا قیودی برای چنان فرهنگی مطرح می‌شوند؟ بر مبنای چه محک‌هایی آن قیود تعیین می‌شوند؟ آیا برای رعایت قیود ضابط لازم است؟ ضمانت مراعات محک‌ها چیست؟

۱. **قیود فرهنگی:** تشخیص این قیود در هر نظام با مراجعه به قانون اساسی آن نظام میسر است. اولین محک، قانون اساسی است که برای نظام جمهوری اسلامی دربرگیرنده معیارهای شرعی هم می‌شود. دومین محک قوانین عادی است که اعتبار آنها به مخالفت‌نداشتن با قانون اساسی و موازین شرع است. محک‌های دیگری هم وجود دارند که به امور عرفی و سنن اجتماعی برمی‌گردند و خود ترسیم‌کننده آداب و رسومی هستند که از گذشته‌های دور به ارث رسیده‌اند. دولت آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های خود را به اتکای این محک‌ها تهیه می‌کند.

۲. **ضمانت اجرا:** صرف وجود و تعریف قیود برای مراعات آنها یا احترام به آنها در اجرا کافی نیست، به‌ویژه که به‌طور طبیعی سرشت خاکی انسان و تمایلات فردی، او را به سمت تجاوز از حد، تخلف و آلودگی به مفاسد می‌کشاند. پس ضمانت‌هایی لازم است تا انسان را از انحراف و تجاوز مصون نگه دارد. اگر انسان بر نفس خود سختگیری کند و به کمک تعلیم و تزکیه فرهیخته شود، به وجدانی دست می‌یابد که در زندگی خصوصی، چه فردی و چه خانوادگی، او را هدایت می‌کند. علاوه بر آن در زندگی جمعی در کوچه و بازار، در محیط کار و در تفریح‌گاه‌ها، مجهز بودن به فرهنگ عمومی، فرد را در تشخیص بایدها و نبایدها کمک می‌کند؛ ولی در نهایت احترام افراد به ضوابط در حالات و شرایط مختلف اجتماعی نیازمند عوامل مراقبتی و انضباطی است که به صورت امر به معروف و ناهی از منکر و نیروی انتظامی ظاهر می‌شود. دقت و جدیت و صلاحیت این عوامل، سرعت فرهنگ‌سازی را افزایش می‌دهد. اثر پسندیده به حقیقت موجه می‌شود و اثر قبیح

و ناپسند متروک می‌ماند.

۳. **تولیدات فرهنگی:** با رعایت آن قیود و به اتکای ضمانت اجرایی، کالاها و خدمات متنوع فرهنگی تولید و به جامعه عرضه می‌شوند. ممکن است مردم تولید این محصولات فرهنگی را به‌عنوان شغل خود انتخاب و از عواید آن ارتزاق کنند، ولی هر فعالیت تولیدی فرهنگی لزوماً برای دستیابی به امکانات مادی معیشت نیست، چه بسا افراد هنرمند که فقط به نشانه ابراز ذوق و سلیقه و استعداد فطری شکوفاشده‌شان آثاری را تولید و عرضه کنند.

بنابراین گرمی بازار فرهنگ و هنر نزد مردم به مفهوم رونق اقتصادی آن نیست، بلکه آن گرمی از توجه مردم به هویت فردی خود، عنایت به موجودیت اجتماعی خود، و اهتمام به خلاقیت فرهنگی و هنری برای اثبات وجود مؤثر خود حکایت می‌کند. تا هنگامی که تولیدات فرهنگی مردم به جامعه عرضه نشده است، مشمول هیچ محدودیت و هیچ نوع اعمال نظارت نمی‌شود، جز آنچه ملهم از وجدان خود فرد است، ولی به محض ارائه به جامعه، اعمال نظارت عمومی برای تضمین مراعات محک‌ها ضرورت می‌یابد.

بسیاری از زمینه‌های فعالیت فرهنگی و هنری، ممکن است به دلایل مختلف، از جمله ناتوانی اقتصادی متروک و رها شود.

**■ خطر تجاوز بی‌دینی،
لجام‌گسیختگی و مصرف‌زدگی،
و نیز مقدمات و شیوه‌ها
و تبعات آن را زیر فشار
خردکننده تبلیغات تمدن‌های
غیردینی رایج در جهان کم‌اثر
ندانیم و کم‌اهمیت نگیریم و از
کنار آن با سکوت و بی‌تفاوتی
نگذریم.**

در چنان مواردی دولت‌های مدافع فرهنگ و پشتیبان تولیدات فرهنگی پا به صحنه می‌گذارند تا رفع مشکل کنند. بدین منظور برخی از دست‌اندرکاران فرهنگی و هنری را استخدام می‌کنند تا تولیداتشان در گرو فروش برای کسب درآمد نباشد و نماند. این نوع استخدام در برخی کشورها آن‌قدر تعمیم‌یافته است که همه تولیدات فرهنگی و هنری را به انحصار دولت کشانده و تقریباً قاطبه فرهنگیان و هنرمندان را اجیر یا حقوق‌بگیر دولت کرده است.

گاهی هم دولت‌ها به‌جای ایجاد انحصار و استخدام، با کمک اقتصادی خود از هنرمند و تولید فرهنگی پشتیبانی می‌کنند و وسایل و امکاناتی را که تهیه آن در وسع افراد نیست، تأمین می‌کنند و با اعمال نظارت بر نحوه استفاده، آن را در اختیار مردم می‌گذارند. به این ترتیب سیاست‌های حمایتی و هدایتی دولت‌ها نسبت به تولیدات فرهنگی و فعالیت‌های هنری و فرهنگی و نیز نحوه کمک و خدمت دولت به فرهنگ مشخص می‌شود: رهاکردن و مداخله‌نکردن دولت در آن موارد به مفهوم رکود یا به تعطیل‌کشاندن فعالیت و تولید در برخی زمینه‌ها و رشته‌های فرهنگی و هنری، مذموم است.

۴. **نظارت فرهنگی:** در بحث تولیدات فرهنگی، ضرورت نظارت هم مطرح شد. این نظارت می‌تواند جنبه مردمی یا دولتی داشته باشد، اما در هر حال حکومت وظایفی دارد و باید مداخله کند: اگر مردم با نظارتی که بر تولیدات فرهنگی دارند، به تخلف از اصول یا زیرپا گذاشتن معیارها پی بردند، نسبت به محتوای اثر فرهنگی و هنری عرضه‌شده در جامعه اعتراض می‌کنند و از پدیدآورنده آن به دستگاه قضایی شکایت می‌برند. محکمه طبق معیارهای شرعی و قانونی به شکایت رسیدگی می‌کند. تدوین و تصویب آن معیارها و حمایت از اقدامات عادلانه قضایی از وظایف دولت است. به‌علاوه درباره آثاری که اشاعه اجتماعی لجام‌گسیخته آنها تبعات سوء جبران‌ناپذیری دارد و حقوق مردم و اجتماع را هدف قرار می‌دهد، دولت موظف

است دفاع از حق مردم- یعنی جامعه- را، در مقابل دفاع از حق فردی که مدعی استفاده از آزادی برای تولید و پخش آثار فرهنگی است، اولویت دهد. از این رو، به ممیزی آن آثار و صدور مجوز تولید و توزیع آنها می‌پردازد. البته این اعمال حاکمیت نیز مستبدانه و خودسرانه و بر مبنای رأی و نظر و سلیقه افراد و کارکنان دولت نیست، بلکه بر اساس مفاد لوایح قانونی است که محدوده‌های مجاز را مشخص می‌کند، و نیز به اتکای آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌هایی است که نحوه تشکیل پرونده و بررسی و تصمیم‌گیری و چگونگی اعتراض مردم و صاحبان حق را تعیین می‌کند. بنابراین پیشبرد اهداف فرهنگ‌های بخش منوط است به همکاری تنگاتنگ مردم و دولت و مداخله جدی و ضابطه‌مند دولت هر جا که اقدامات فرهنگی و هنری افراد یا گروه‌ها، حقوق اجتماعی و اساسی را تهدید کند.

نتیجه‌گیری

۱. به‌طور حتم از دیدگاه امام، اگر نگوییم مهم‌ترین بُعد انقلاب اسلامی، باید بگوییم یکی از اساسی‌ترین ارکان آن بعد فرهنگی بوده است؛ چنانکه بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) برای کامل کردن مکارم اخلاق یعنی اصلاح فرهنگ بوده است.

بر همین مناسبت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، موضوع انقلاب فرهنگی را مطرح و ابتدا ستاد و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی را تأسیس می‌کند؛ زیرا خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی، ملی و انقلاب فرهنگی را در تمامی زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و کوشش می‌داند که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و ضمناً از خطر تاجرگرایان و مقدس‌نماهای اسلام آمریکایی نیز نباید غافل ماند.

۲. وقتی در جامعه‌ای اسلامی، به فرهنگ اصالت داده شده، نوع حساسیت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و آرمان‌ها، با جوامعی که

اصالت‌های اعتقادی و فرهنگی دینی را نپذیرفته‌اند، و فقط جامعه خود را مدنی می‌دانند، متفاوت می‌شود. در اولی همه شئون بر مبنای حق و عدالت و عفت پایه‌گذاری می‌شود و در دومی بی‌قیدی در آزادی، ازدیاد منافع اقتصادی و کامجویی به هر قیمت، مبنای قرار می‌گیرد. قطعاً شکل ظاهری و وضع باطنی این دو نوع جامعه متفاوت می‌شود و نکته مهم این‌که التقاط فرهنگی بزرگ‌ترین ضربه را به جامعه‌ای می‌زند که حق جو و عدالت‌خواه و عقیف است.

۳. جامعه ما هیچ‌گاه جامعه بسته نبوده و نیست. مظاهر فرهنگی بیگانه همواره از رسانه‌های جمعی به رخ مردم کشیده شد یا در بیان طرفداران آن فرهنگ تبلیغ‌شده تأثیر منفی خود را به‌ویژه در میان جوانان که فرصت کافی برای شناختن و چشیدن زیبایی‌های جامعه آرمانی نداشته‌اند، گذاشته و می‌گذارد و همین‌ها به بروز و گسترش خشونت و تجاوز و اجحاف و برهنگی و تنبلی انجامیده است و این روند ممکن است خدای ناکرده به دلایل سیاسی، سیر صعودی به خود بگیرد.

۴. در سیاست‌گذاری‌های کلی و برنامه‌ریزی کلان، راه‌های فرهنگی باید مقدم باشند و هیچ رویدادی که تضعیف‌کننده فرهنگ باشد مجاز شمرده نشود: قلم و بیان باید در خدمت آرمان‌های اسلامی قرار گیرند، هنر باید روح تعهد را در انسان‌ها بدمد. خطر تجاوز بی‌دینی، لجام‌گسیختگی و مصرف‌زدگی، و نیز مقدمات و شیوه‌ها و تبعات آن را زیر فشار خردکننده تبلیغات تمدن‌های غیردینی رایج در جهان کم‌اثر ندانیم و کم‌اهمیت نگیریم و از کنار آن با سکوت و بی‌تفاوتی نگذریم.

این مقاله برگرفته از منبع زیر است:

راه انقلاب (مجموعه مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی)، به اهتمام: کمیته پژوهش و مطالعات ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی، تهران: نشر هماهنگ، ۱۳۷۸: ۱۱۶-۱۰۵.